

نِسْرَسَّجَالِم



دانشگاه قم

دانشکده حقوق

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

عنوان :

بررسی ادله موافقین و مخالفین برابری قصاص زن و مرد و مسلمان و کافر

استاد راهنما :

آقای دکتر عادل ساریخانی

استاد مشاور :

آقای دکتر جلال الدین قیاسی

نگارنده :

جابر محمدی

تابستان ۱۳۸۹

تقدیم به :

تمام پویندگان راه معرفت ...

با سپاس از :

زحمات تمام اساتید گرانقدر؛

بحار علمی که هر کدامان به قدر وسع خویش از آن بهره جستیم؛

بالاخص:

جناب آقای دکتر ساریخانی (استاد راهنما)

جناب آقای دکتر قیاسی (استاد مشاور)

که پیوسته با رهنمود های سازنده خویش، بابت نوین از علم آموزی را به روی

اذهان ما می گشودند ...

چکیده:

یکی از مباحث رویاروی فقه اسلامی که آن را مخالف حقوق بشر و خلاف عدل و انصاف تلقی می کند، تفاوت های فقهی و حقوقی است که میان اصناف انسان ها اعم از زن و مرد، مسلمان و کافر قرار داده شده است. در این میان با توجه به اهمیت جان آدمی نسبت به سایر مقوله ها آنچه بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، نابرابری قصاص در برخی اصناف انسان هاست و در واقع فقه اسلامی، امروزه با این چالش و سوال مواجه شده است که آیا جنسیت و مذهب می تواند به عنوان عاملی برای تمایزات در حقوق بالاخص قصاص تلقی شود یا خیر که در پاسخ به این سوال، مشهور فقهای امامیه بر این باورند، در صورت قصاص مرد در برابر زن، خانواده زن می بایست نیمی از دیه کامله را به خانواده مرد به عنوان فاضل دیه پرداخت کنند. ایشان از این منظر، شرط رد فاضل دیه را نه به عنوان شرط ثبوت قصاص بلکه به عنوان شرط استیفاء قصاص تلقی نموده و در تعلق و ثبوت قصاص تفاوتی میان زن و مرد نمی دانند. در مورد قصاص مسلمانی که به عمد و عدوان کافر ذمی را به قتل رسانده باشد نیز مشهور فقهای امامیه بر این عقیده اند که مسلمان در برابر کافر قصاص نمی شود مگر این که اعتیاد به چنین امری داشته باشد و از این دیدگاه، تساوی دین به عنوان یکی از شرایط اساسی ثبوت و تعلق قصاص تعریف شده است. این گروه بر این باورند که اصولاً یک حکومت دینی با یک شریعت نمی شود که برای دین دار بودن امتیازی قایل نباشد و خصیصه ذاتی یک دین این است که بین دین دار با کافر فرق باشد چراکه اگر امتیازی برای دین دار بودن نباشد، اساساً به آن حکومت دینی نمی گویند. در مقابل جمهور فقهای اهل سنت و اندکی از فقهای امامیه بر برابری قصاص در تمامی اصناف انسان ها تأکید می ورزند و بر این عقیده اند که اسلام هیچ گونه مزیتی را جهت جنسیت و دیانت نمی پذیرد و ادله ای که مخالف این موضوع است باید توجیه گردد و یا به سکوت گذارده شود.

کلید واژگان: قصاص، زن، مرد، مسلمان، کافر، تفاضل دیه

فهرست مطالب

مقدمه	۱
۱- بیان مسأله	۳
۲- سوالات اصلی تحقیق	۴
۳- فرضیه های تحقیق	۴
۴- سابقه و ضرورت تحقیق	۵
۵- روش تحقیق	۵
۶- اهداف و کاربردهای تحقیق	۵
۷- سامانه تحقیق	۶

فصل اول - مبانی نظری

مبحث اول- تعاریف و مفاهیم عمومی	۷
گفتار اول - تعریف لغوی	۷
الف) واژه شناسی قصاص	۸
ب) تبیین معانی جنسیت	۱۰
۱- مرد	۱۱
۲- زن	۱۲
ج) کفر و اسلام	۱۲
۱- کفر	۱۳
۲- اسلام	۱۴
ج) عدل و مترادفات عقلی آن	۱۵
۱- عدالت	۱۶
۲- انصاف	۱۷
۳- مساوات	۱۷
گفتار دوم- تعاریف اصطلاحی	۱۸
الف) قصاص	۱۸
ب) نگرشی بر مفهوم مسلمان و کافر	۲۱
۱- مفهوم اصطلاحی مسلمان	۲۱
۲- مفاهیم اصطلاحی کفر	۲۲
بند اول- کفر در کتاب الله	۲۲
بند دوم- کفر در روایات	۲۴
بند سوم- کفر در اصطلاح فقهی	۲۵

- ۳- گونه شناسی کفار ۲۶
- بند اول- کافر حربی ۲۶
- بند دوم- کافر معاهد ۲۷
- بند سوم- کافر مستأمن ۲۸
- بند چهارم- کافر ذمی ۲۹
- د) درآمدی بر مفهوم عدالت ۳۰
- ۱- مفاهیم اصطلاحی عدالت ۳۱
- ۲- جایگاه عدالت در اسلام ۳۲
- گفتار سوم- پیشینه شناسی ۳۲
- الف) قصاص در آیین های قبل از اسلام ۳۳
- ب) قصاص تشریحی در اسلام ۳۵
- مبحث دوم - مسأله شناسی ۳۶
- گفتار اول - تمایزات و تشابهات زن و مرد ۳۶
- الف) تمایزات بین زن و مرد در امور جزایی ۳۷
- ۱- تفاوت در جرم انگاری ۳۷
- ۲- تفاوت در مسئولیت کیفری ۳۸
- ۳- تفاوت در سن مسئولیت کیفری ۳۸
- ۴- تفاوت در اجرای مجازات ۳۹
- ب) فلسفه تفاوت بین زن و مرد در امور جزایی ۳۹
- ۱- تساوی مرد و زن در مقام انسانی و امکان رسیدن به کمال ۴۰
- ۲- تمایزات خَلَقَتی ۴۱
- ج) تشابهات حقوقی ۴۲
- گفتار دوم) شرایط قصاص ۴۲
- الف) شرایط ثبوت قصاص ۴۳
- ۱- تساوی در موقعیت اجتماعی ۴۳
- ۲- تساوی در دین ۴۴
- ۳- انتفای رابطه فرزند و پدری ۴۵
- ۴- مهدور الدم نبودن مقتول ۴۶
- ۵- شرایط عامه تکلیف ۴۷
- ب) شرایط استیفاء قصاص ۵۰
- ۱- تقاضای اولیاء دم ۵۰
- ۲- تساوی در جنسیت ۵۱
- گفتار سوم- نگرش های انتقادی به قصاص ۵۲
- الف) غیر قابل اعمال بودن مجازات قصاص ۵۳

- ب) حق بودن قصاص و عدم توجه به حیثیت عمومی جرم قتل ۵۴
- ج) تبعیض در اجرای مجازات قصاص زن و مرد و کافر و مسلمان ۵۵

فصل دوم - بررسی تئوری نابرابری قصاص بین انسان ها ۵۹

مبحث اول - دلایل قائلین به تساوی جنسیت در استیفاء قصاص ۵۹

گفتار اول - در قصاص نفس ۵۹

الف) ادله اهل تشیع ۶۰

۱- مفهوم قرآنی ۶۰

۲- روایات معصومین (علیهم السلام) ۶۳

بند اول- صحیحہ عبدالله بن سنان ۶۴

بند دوم- صحیحہ عبدالله ابن مسکان ۶۴

بند سوم- صحیحہ حلبی ۶۵

بند چهارم - روایت ابن بصیر ۶۵

بند پنجم - روایت ابو مریم انصاری ۶۵

بند ششم - موثقہ ابو بصیر ۶۶

بند هفتم - روایت دوم ابو بصیر ۶۶

بند هشتم - موثقہ ابو مریم انصاری ۶۶

بند نهم - روایت ابو عباس ۶۶

بند دهم - روایت محمدبن قیس ۶۶

بند یازدهم - روایت زید الشحام ۶۷

بند دوازدهم - روایت السکونی ۶۷

بند سیزدهم - روایت محمدبن مسلم ۶۷

بند چهاردهم - روایت اسحاق بن عمار ۶۷

بند پانزدهم - روایت ابو مریم انصاری ۶۸

بند شانزدهم - روایت عبدالله بن سنان ۶۸

بند هفدهم - روایت من تفسیر النعمانی ۶۸

بند هجدهم - روایت سماعه بن مهران ۶۹

بند نوزدهم - روایت ابو العباس ۶۹

۳- اجماع ۷۱

ب) نظرات اهل تسنن ۷۳

۱- فقه حنفی ۷۵

۲- فقه شافعی ۷۵

۳- فقه مالکی ۷۶

۳- فقه حنبلی ۷۷

گفتار سوم - در قصاص عضو	۷۹
الف) نظرات اهل تشیع	۸۰
ب) نظرات اهل تسنن	۸۵
گفتار سوم - حکمت های تفاوت قصاص زن و مرد	۸۸
الف) همسانی زن و مرد در کرامت انسانی	۸۸
ب) قوام مردام بر زنان	۹۲
ج) رعایت غبطه اقتصادی	۹۳
د) تعلق دیه قتل نفس به اولیای دم	۹۴
مبحث دوم - دلایل قائلین به لزوم تساوی دین در قصاص	۹۵
گفتار اول - در قصاص نفس	۹۶
الف) دلیل قرآنی (قاعده نفی سیل)	۹۹
ب) روایات	۱۰۲
۱- روایات ناظر بر عدم قصاص مسلمان	۱۰۲
۲- روایات ناظر به قصاص مسلمان با پرداخت فاضل دیه	۱۰۳
بندا اول - صحیحه ابن مسکان	۱۰۳
بند دوم - معتبر سماعه	۱۰۴
بند سوم - صحیحه ابوبصیر	۱۰۴
۳- روایات موصوف به وصف اعتیاد قاتل	۱۰۴
بندا اول - صحیحه اسماعیل بن فضل	۱۰۵
بند دوم - روایت محمد بن فضیل	۱۰۵
۴- جمع روایات	۱۰۶
ج) اقوال فقها	۱۰۸
۱- فقه امامیه	۱۰۸
۲- فقه اهل سنت	۱۱۰
د) اجماع	۱۱۲
گفتار دوم - در قصاص عضو	۱۱۲

فصل سوم - تئوری برابری قصاص انسان ها

مبحث اول - مستندات عام حقوقی و فقهاتی	۱۱۵
گفتار اول - آیات قرآنی	۱۱۶
الف) آیات با دلالت عام	۱۱۷
۱- آیات مبارکه ۴۰ و ۴۱ سوره شوری	۱۱۷
۲- آیه مبارکه ۱۲۶ سوره نحل	۱۱۸
۳- آیه مبارکه ۱۹۴ سوره بقره	۱۱۹

۱۲۱.....	ب) آیات با دلالت خاص
۱۲۱.....	۱- آیه مبارکه ۱۷۸ سوره بقره
۱۲۳.....	۲- آیه مبارکه ۱۷۹ سوره بقره
۱۲۴.....	۳- آیه مبارکه ۳۲ سوره مائده
۱۲۵.....	۴- آیه مبارکه ۴۵ سوره مائده
۱۳۰.....	۵- آیه مبارکه ۳۳ سوره اسراء
۱۳۱.....	گفتار دوم - دلایل عقلی
۱۳۲.....	الف) سیره عقلا
۱۳۳.....	ب) عدالت خداوند متعال
۱۳۶.....	گفتار چهارم - استحسان
۱۳۷.....	گفتار پنجم - عنایت به اقتضای زمان
۱۳۸.....	الف) تابعیت احکام اسلامی از مصالح و مفاسد
۱۳۹.....	ب) درک مصالح و مفاسد توسط عقل
۱۳۹.....	ج) تغییر مصالح و مفاسد بر پایه تغییر شرایط و مقتضیات
۱۴۴.....	مبحث دوم - مستندات خاص حقوقی و فقهاتی
۱۴۵.....	گفتار اول - دلایل عدم اشتراط جنسیت در قصاص
۱۴۵.....	الف) نقد دلایل قرآنی مخالفین تئوری برابری قصاص
۱۴۷.....	ب) نقد روایات
۱۴۷.....	۱- مخالفت روایات با کتاب
۱۵۳.....	۲- مخالفت با روایات
۱۵۳.....	۳- مخالفت با عقل
۱۵۵.....	ج) معارضه روایات
۱۵۵.....	۱- صحیح ابو مریم انصاری
۱۵۶.....	۲- موثقه سکونی
۱۵۶.....	۳- خبر اسحاق بن عمار
۱۵۷.....	د) ضعف اجماع
۱۵۸.....	ه) رفع شبهات مطروحه در باب تئوری برابری قصاص
۱۶۳.....	گفتار دوم - دلایل قائلین به عدم اشتراط تساوی دین در قصاص
۱۶۴.....	الف) نقد استناد به قاعده نفی سبیل
۱۶۹.....	ب) نقد استناد به سنت
۱۷۲.....	ج) نقد استناد به اجماع
۱۷۳.....	نتیجه گیری
۱۷۶.....	فهرست مطالب و مآخذ
۱۷۶.....	الف) منابع فارسی

ب) منابع عربی ۱۸۰

ج) منابع لاتین ۱۸۵

مقدمه

عدالت ازدیدگاه مذاهب آسمانی و مکاتب بشری، یکی از مهمترین ارزش های اجتماعی است، تا آنجا که قرآن کریم یکی از اهداف اصلی اعزام رسولان وحی را اقامه قسط و عدل بر می شمارد^۱. از این رو مبنای اصلی بسیاری از مجازات ها، همان اجرای عدالت و جلوگیری از ظلم و بی عدالتی توصیف شده است. در حقوق کیفری اسلام نیز همانند بعضی ادیان گذشته برای از هاق نفس معصوم دیگری و یا جنایات مادون نفسی که به نحو عمد و عدوان عارض شود، مجازاتی به نام «قصاص» در نظر گرفته شده که ندای عدل را در گوش همگان زمزمه نماید. بدین معنی که مجنی علیه یا بازماندگان او^۲ حق دارند که به نحو مساوی جنایت وارده را عیناً به بزهکار وارد آورند^۳. قانونگذار اسلام در پی آن بوده است که به وسیله اجرای حکم قصاص، عدم تعادل و توازنی را که در جامعه، بواسطه ارتکاب جرم به وجود آمده، ترمیم نماید و به همین جهت اختیار جنایتکار را به مجنی علیه یا بازماندگان او داده تا آنان قادر باشند به نحو عادلانه صدمه ای را که متحمل شده اند جبران نمایند. بنابراین هدف اصلی از مجازات قصاص اجرای عدالت است که خود می تواند متضمن فواید بسیاری در جامعه باشد. آن چه باید مورد توجه قرار گیرد این است که قصاص به عنوان یک حق قابل اسقاط مطرح است و نه حکم تکلیفی قطعی؛ بدین معنی که ولی دم می تواند در مقابل دریافت دیه یا بدون آن جانی را مورد عفو فرار داده، از قصاص خودداری کند. در واقع قانونگذار اسلام، بزهکار را در اختیار مجنی علیه یا بازماندگان او قرار می دهد و بدین سان بر احیای عدالت در جامعه پافشاری می کند، و از سوی دیگر آنان را به عفو و بخشش ترغیب می نماید^۴.

با توجه به آنچه گذشت به نظر می رسد، هدف اساسی از مجازات قصاص اجرای مساوات و عدالت به عنوان یکی از فضایل و ارزش های الوالی اجتماعی است. علاوه بر آن اجرای عدالت در مورد بزهکاران به خودی خود نقش مهمی در پیشگیری از ارتکاب جرم خواهد شد.

با این حال سخن به همین نکته ختم نمی شود، چرا که محسنات ثبوت چنین حکمی، رادع مشکلات اجرایی و اثباتی آن نخواهد بود. چرا که روایات و مقولات بسیاری دلالت بر این موضوع دارند که گرچه رسالت بنیادین قصاص اجرای عدالت و مبارزه با بی سامانی اجتماعی است ولی سنخیت شهروندان به لحاظ زن و مرد بودن، کافر، یا مسلمان بودن، عاقل و یا مجنون بودن و... نقش بسیار مهمی را در نحوه تحقق آن به انجام می رساند. در این زمینه شاید بتوان گفت که درک و استنباط صحیح از موقعیت حقوقی و انسانی این طوائف متوقف بر مطالعه بی طرفانه ای است که بر مبنای طبیعی و واقعی استوار باشد.

خداوند تبارک و تعالی در کتاب خویش از میان همه مخلوقات تنها به انسان لقب «خلیفه الله داد و مقرر داشت که مسجود ملائک و امانت دار الهی قرار گرفته و قرآن برای هدایت او فرو فرستاده شود. سپس به گونه ای که جوهر و ماهیت آنها یکسان باشد، تیره انسان را در دو قالب زن و مرد به پهنه زمین عرضه داشت تا با نیل به سعادت، رستگاری خویش و رضایت پروردگار خود را رقم بزنند، ولی در این میان گروهی به وحدانیت خداوند ایمان آورده و با اتمام نعمت و نزول رحمت اسلام، تسلیم دستورات مبین این عطیه الهی شده و نام

^۱ «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» ما پیامبرانمان را با دلیل های روشن فرستادیم و با آنها کتاب و میزان را نیز نازل کردیم تا مردم به عدالت عمل کنند. آیه ۲۵، سوره حدید.

^۲ «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا» و هر کس به ستم کشته شود، به طلب کننده خون او قدرتی داده ایم، ولی در انتقام از حد نگذرد که او پیروزمند است. آیه ۳۳، سوره اسراء.

^۳ «وَكُنْتُمْ عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ نَفْسٌ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنُ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفُ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنُ بِالْأُذُنِ وَالسِّنُّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحُ قِصَاصٌ» و در تورات بر آنان مقرر داشتیم که نفس در برابر نفس و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان و هر جراحتی را قصاصی است. آیه ۴۵، سوره مائده.

^۴ «فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءُ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ» چون صاحب خون از قاتل که برادر دینی اوست، بخواهد درگذرد، بدون دیه و یا با گرفتن دیه، کاری است نیکو، پس دیه را قاتل در کمال رضا و خشنودی ادا کند. در این حکم تخفیف و آسانی امر قصاص و رحمت خداوندی است. آیه ۱۷۸، سوره بقره.

مسلمان را زینت بخش حیات خویش گردانند و در مقابل گروهی دیگر، منکر نعمات خداوندی و پذیرای نعمات دنیوی گشتند. یا کافر و حدانیت خداوند شدند و یا با جمود بر مذاهبی که به لحاظ تعالی در رتبه ای ادنی از اسلام قرار داشتند ملقب به اهل کتاب و گاهاً با پذیرش عقد ذمه در زیر لوای اسلام با قبول حقوق و تکالیفی، به استدام حیات خویش مشغول گردیدند.

در چنین حالتی است که سخن از برتری ذکوریت و دیانت به میان آمده و با اغماض نظر از همان گوهر واحدی که مبداء آفرینش یکسان بود، ارزش ها، داشته ها و به عبارتی تفاوت ها، مبنای اعمال حکم به انحاء گوناگون شده است. حال آن که اسلام نیز به عنوان یک مکتب که آخرین آیین و دستورالعمل الهی را برای بشریت به ارمغان آورده، اذعان می‌دارد که خالق متعال مردم را با استعدادهاى مختلف و شرایط گوناگون آفریده و اگر همه در یک سطح از استعداد و قدرت بودند، هر آینه، نظام هستی متلاشی می‌شد؛ بدین لحاظ، بحث از مبنای سیاست جنایی تشریحی حکومت اسلامی در مورد نقد و پذیرش ادله موافقین و مخالفین برابری قصاص میان زن و مرد، مسلمان و کافر موضوع نوشته حاضر قرار گرفت؛ هر چند بحث های مبنا شناختی ذاتاً دشوار و بسیار محل مناقشه اند و از آن شفافیت و قطعیتی که در بررسی های حقوقی صرف یافت می‌شود، در اینجا کمتر می‌توان سراغ گرفت، ولی هدف آن است که با تحدید قلمرو مرزهای نگرشی (فکری و ارزشی) و تحلیل و بررسی هر کدام از آنها، پرده شبهات جاریه را از سر کشیده و به چشمه زلال حکمت احکام الهی ره ببریم.

۱- بیان مسأله

ازهاق نفس معصوم دیگری، از جمله گناهان بزرگ و نابخشودنی و بالتبع تشریح فقه القرآن از جمله جرایم سنگین نظام کیفری اسلام به حساب می‌آید. با این حال مسلماً ابای از ارتکاب چنین عملی، در شرایطی که انسان ها گرد هم جمع آمده و با نزاع بر سر منافع، آینده واهی خویش را رقم می‌زنند، امری اجتناب ناپذیر خواهد بود. از این رو شارع حکیم با وضع آموزه های مربوط به اجرای قصاص، همت خود را معطوف به سزا دهی مرتکبین و پیشگیری از تکرار این بلیه انسانی نموده است. با این حال فارغ از تحسین این تشریح، تمام شبهات و تردیدها راجع به شیوه اجرا و طرح مسائلی است که میان فروض مختلف پدیدار می‌شود.

یکی از مسائل کلیدی در بحث قصاص، مقوله مربوط به برابری یا عدم برابری قصاص زن و مرد و مسلمان و کافر است یا به تعبیری بهتر بررسی این که آیا تساوی در دین و جنسیت از شرایط قصاص تلقی می‌شود یا خیر، می‌باشد که از قدیم الایام مورد بحث و بررسی فقها و اندیشمندان حقوقی قرار گرفته و هر کدام بر حسب مستدللات و مستندات خویش قایل به برابری و یا عدم برابری (الزام رد فاضل دیه و حتی عدم ثبوت قصاص) شده اند. فلذا بدیهی است با توجه به این که یکی از مباحث مهم رویارویی فقه اسلامی که آن را مخالف حقوق بشر و عدل و انصاف تلقی کرده است همین نابرابری قصاص در برخی اصناف انسان هاست، لزوم پرداختن به چنین مباحثی در جامعه اسلامی و آن هم در دنیای امروزی که از آن تعبیر به دنیای شیشه ای (vitreous house) می‌شود، امری گریز ناپذیر است که پرداختن به این تهاقت آراء علاوه بر ثمرات عملی، خواهد توانست مسبب ارتقاء بایسته های حقوقی ما نیز باشد.

۲- سوالات اصلی تحقیق

سوالات اصلی تحقیق عبارتند از:

- ۱- دلایل موافقین و مخالفین تئوری برابری قصاص زن و مرد و مسلمان و کافر معطوف به چه مواردی خواهد بود؟
- ۲- در مقابل تحلیل و تنقیح مسائل و با در نظر داشتن اصولی چون مصلحت انگاری و عدالت محوری، کدام رویه برای جامعه کنونی ما مساعدتر و مناسبتر به نظر می‌رسد؟

۳- فرضیه های تحقیق

در راستای طرح سؤالات اصلی تحقیق می‌توان، فرایضی چند را مطمح نظر قرارداد:

اول این که موافقین و مخالفین برابری قصاص که به ترتیب شامل فقهاء مخالف و موافق با نظر مشهور می‌شوند، دلایل و مستندات عقلی و نقلی بسیاری را برای تثبیت و تحکیم نظر خود ارائه و در مقام دفاع از آن برآمده‌اند. به گونه‌ای که می‌توان آیات قرآنی متعدد، روایات صحیح و متنوع و آراء فقهی متکثری را در مجموعه مطالب آنان ملاحظه نمود.

دوم این که نظر به نقد اساسی دلایل مطروحه پیرامون تئوری نابرابری قصاص و از طرفی هماهنگ بودن آراء و استدلال‌های طرفداران تئوری برابری با مقتضیات زمان و رجوع به اطلاق آیات قرآنی، پر پی راه نگفته‌ایم اگر برابری و اعمال مساوات در قصاص را مساعدتر و مناسب‌تر با شرایط جامعه کنونی خود بدانیم، هر چند مناقشات حاصل از مخالفت با رای مشهور فقهای اهل تشیع، هم چنان به قوت خود باقی خواهد بود.

۴- سابقه و ضرورت تحقیق

مقوله قصاص و شیوه اجرای آن، با توجه به پیشینه تشریح، از همان ابتدا به عنوان یکی از اصول ثابت دین مبین اسلام مورد عنایت فقها و گاه‌ها نقد و تحلیل فقه‌آشنایان و محققان بوده است. به گونه‌ای که کتب و رسایل متعددی پیرامون اصل مجازات قصاص، اهداف تشریحی آن، شرایط قصاص، صاحبان حق قصاص، ادله اثبات و عفو از حق قصاص و حتی بررسی نقش قصاص در تأمین اهداف حقوق کیفری اسلام نگاشته شده و در مجموعه‌ی آثار فقهی و حقوقی مکتوب، به ثبت رسیده است. ولی به جز گفتارهای محدود و مباحثی گذرا کمتر اثر در خور ذکری ملاحظه شده است که به بررسی وجوه تفارق و تشابه موافقین و مخالفین مسأله برابری قصاص، میان زن و مرد و مسلمان و کافر و در نهایت تحلیل و استنتاج از آن بپردازد، چه این که در سالهای اخیر، با عنایت بر هجسه تبلیغاتی سنگین رسانه‌های وابسته به ایادی استکبار، تمام توان گفتاری، نوشتاری و دیداری آنان معطوف به گسترش ارزش‌های فمینیسمی و نژاد پرستانه بوده و از این رهگذر شبهات بسیار سهل و ممتنع ولی عامیانه پسندی را بر پیکر نظام حقوقی اسلام وارد آورده‌اند و خواسته‌اند تا با طرح شاید و اگرهای متفاوت، از اساس ریشه اجرای حدود الله و دستورات شریعت را بزنند.

۵- روش تحقیق

روش این تحقیق، تلفیقی از گونه‌های مختلف توصیفی - تحلیلی و مبنا شناختی است که با مراجعه به منابع مکتوب فقهی و حقوقی به تشریح ادله موجود موافقین و مخالفین پرداخته و در نهایت بعد از توصیف مقتضیات زمان به مقارنه و تطبیق داده‌های مزبور مبادرت می‌ورزیم که حاصل این تلاش، در قالب یک نتیجه‌گیری بیان خواهد شد.

۶- اهداف و کاربردهای تحقیق

هدف از انجام این پژوهش، پرتو افکندن به گوشه‌ای از سوال‌های بی‌پایان است که در ضمن اجرای حکم قصاص به ذهن بسیاری از متولیان، محققان و یا حتی مبتلایان به آن متبادر می‌گردد. بدیهی است که این نقد و بررسی می‌تواند گامی مؤثر در راستای ارتقاء سطح دانش حقوقی و بهبود شرایط کیفی اجرای شریعت اسلامی نیز به حساب آید.

۷- سامانه تحقیق

به طور حتم با عنایت به سوالات اصلی تحقیق، اگر بخواهیم آن گونه که باید به طرح سامانه ای پردازیم که در ضمن تبیین دقیق مطالب، به گونه ای عقلایی نظام مربوط به بیان و چینش آنها نیز با آفت اغماض مواجه نگردد، لاجرم می بایست که سخن خویش را با بیان مبانی نظری و کلیات آغاز نموده و طی دوفصل متوالی، ادله نابرابری و برابری قصاص در بحث مانحن فیه را بیان نماییم. لذا ترتیب مطالب به گونه ای است که در فصل اول، مضامین مربوط به معنا شناسی و مفهوم شناسی کلید واژه های پژوهش مطرح شده و با بستر سازی های مناسب، فضا را برای طرح ادله و مستندات فقهی و حقوقی طرفداران نظریه نابرابری قصاص میان زن و مرد و مسلمان و کافر که منطبق با رای مشهور فقهای شیعی نیز می باشد، فراهم می آوریم. در این فصل مستندات نقلی و عقلی این افراد را در دو بخش دلایل متفقین بر وحدت جنسیت و دلایل متفقین بر وحدت دین مطمح نظر قرار می دهیم.

در فصل سوم نیز با پیگیری همین رویه، به ارائه ادله و راهکارهای طرفداران تئوری برابری قصاص، در ضمن نقد و بیان ایرادات دلایل گروه اول می پردازیم و از این رهگذر به هدف نهایی خود که همان مقارنه و تطبیق آراء و نظرات طرفین می باشد، نایل می گردیم. و در نهایت با ارائه یک نتیجه گیری جامع و فهرست منابع به کار خود خاتمه می بخشیم.

فصل اول – مبانی نظری

در این بخش ابتدا به مطالعه مفاهیمی خواهیم پرداخت که مستقیم یا غیر مستقیم با موضوع بحث در ارتباط می باشند. از این رو بستر گفتمان رادر قالب دو محور تعاریف و مفاهیم عمومی و مسأله شناسی سامان بخشیده و سپس به مباحث کلی مرتبط با بحث می پردازیم.

مبحث اول – تعاریف و مفاهیم عمومی

اگر نظری به نگاشته های عظیم و گران سنگ فقهی و حقوقی پیشین، که در واقع گنجینه های بی همتای دریای دانشمان به حساب می آیند، داشته باشیم به سهولت درخواهیم یافت که کلام تمام بزرگان با ارائه کلیاتی چند در باب بسط معانی لغات و اصطلاحات شروع می شود به گونه ای که مخاطبان آنها با دستی پر و پیش زمینه ای فکری به سراغ سایر رهاوردهای علمی آنان بروند. پیرو این سنت حسنه، در نخستین مبحث ما نیز مباحث مربوط به معنا شناسی و پیشینه شناسی لغات و اصطلاحات عنوان پایان نامه مطمح نظر قرار خواهد گرفت.

گفتار اول – تعاریف لغوی

اگر بپذیریم که تمام علوم سه رکن اصلی موضوع، مبادی و مسائل دارند که اهل فن از آن به «اجزای علوم» تعبیر می کنند، می توانیم مبادی علم را به طور اجمال عبارت از تعاریفات و تصدیقاتی بدانیم که قبل از ورود به هر علم در مورد موضوعات و محصولات آن علم به عمل می آید و برای آگاهی و شناخت، مفید و لازم است. به نحوی که بدون تصور و تصدیق آنها ورود به آن علم شایسته نمی باشد.

بدیهی است که اولین گام در وادی مبادی، معناشناسی و پی بردن به کُنه الفاظی است که خواسته یا ناخواسته قسمت اعظمی از پژوهش ما را به خود اختصاص می‌دهند و با محوریتی تمام به چنان بلندایی می‌نشینند که سایر مطالب دایر مدار آن‌ها به چرخش آمده و ذهن هر طالب علمی را به سوی کشف مجهولات رهنمون می‌سازند. متعاقب آن، در این مبحث، چندین گفتار همچون واژه شناسی قصاص، تبیین معنای جنسیت، کفر و اسلام و تعریف لغوی عدل و مترادفات عقلی آن، جوهر کلامان خواهد بود.

الف) واژه شناسی قصاص

واژه قصاص از ماده «قص» و به معنای پی گرفتن است و «قص اثره» یعنی پی راه او را گرفتن^۵ مرحوم ابن منظور نیز قصاص را اسم مصدر از ریشه «قص یقص» به معنای پی گیری نمودن اثر چیزی می‌داند و می‌فرماید: «قصصت الشيء اذا تبعت اثره شیئاً بعد شیء»^۶ و از همان ریشه در قرآن کریم آمده است: «وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ»^۷ مادر موسی به خواهرش گفت: دنبال موسی برو،^۸ و هم چنین «فَارْتَدًّا عَلَى آثَارِهِمَا قَصَصًا»^۹ جست و جو کنان ردپای خود را گرفتند و برگشتند.

قصاص از نظر لغوی به هر نوع دنباله روی و پی جویی نمودن اطلاق می‌گردد، فلذا هر امری را که پشت سر هم بیاید، عرب به آن قصه می‌گوید و از آنجا که قصاص قتلی است که پشت سر هر قتل دیگری قرار می‌گیرد این واژه در مورد آن به کار رفته است.^{۱۰} علاوه بر آن مرحوم علامه در تفسیر المیزان فرموده اند که قصاص مصدری از (قاص، یقاص) است و عبارت «قصاص» به معنای داستان سرا، از آنجا که حکایت و سرگذشت گذشتگان را دنبال می‌نماید، شکل گرفته است. پس اگر قصاص را قصاص نامیده اند به این دلیل است که جانی را در جنایتش تعقیب می‌کنند و عین آن جنایت را که او وارد آورده است، بر او وارد می‌آورند.^{۱۱} در مفردات راغب نیز همین معنی برای قصاص لحاظ گردیده است.^{۱۲}

به طور کلی با تتبع در آثار لغویین، می‌توان چنین اظهار داشت که ترکیب واژه قصاص از دو اصل ممکن است اتخاذ شده باشد:

اول: تتبع الاثر، دنباله گیری یک نشانه، که دو آیه فوق دلالت بر همین معنا دارند.

دوم: قطع و بریدن، که می‌توان تداعی آن را در عباراتی چون «قص الشعر» و یا «قص الظفر» به معنای ناخنش را برید و یا ناخنش را گرفت، ملاحظه کرد. «قصاص الشعر» (جایی که مو از سر قطع می‌شود) و «طائر مقصوص الجناح» (پرنده بریده بال) عبارات رایج دیگری است که از همین باب منبعث می‌شوند.

^۵ - محمد مرتضی الزبیدی، تاج العروس (بیروت: المکتبه الحیاه [بی تا]) ج ۴، ص ۴۲۱

^۶ - ابن منظور، لسان العرب (بیروت: دارالحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ هـ ق) ج ۱۱، ص ۱۹۰

^۷ - قصص، آیه ۱۱

^۸ - قصص، آیه ۱۱

^۹ - کهف، آیه ۶۴

^{۱۰} - ناصر مکارم شیرازی با همکاری چندی از دانشمندان، تفسیر نمونه (قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۸ هـ ق) ج ۱، ص ۶۰۴

^{۱۱} - محمد حسین طباطبایی، ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم محمد باقر همدانی (قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶ هـ ش) ج ۵، ص ۶۵۶

^{۱۲} - قصص: القصة تتبع الأثر، يقال قصصت أثره والقصة الأثر، قال: (فارتد على آثارهما قصصاً - وقالت لأخته قصيه) ومنه قيل لما يبقى من الكلاب فيتبع أثره قصيص، وقصصت ظفره، والقصة الأخبار المتبعضة، قال: (لهو القصص الحق - في قصصهم عبرة - وقصص عليه القصص - نقص عليك أحسن القصص - فلتقصن عليهم بعلم - يقصص على بني إسرائيل - فاقصص القصص) والقصاص تتبع الدم بالقدود، قال: (ولكم في القصاص حياة - والجروح قصاص) ويقال قص فلان فلانا، وضربه ضرباً فأقصه أي أدناه من الموت، والقصاص الجص، ونهى رسول الله صلى الله عليه وسلم عن تقصيص القبور. راغب اصفهانی، مفردات الالفاظ القرآن، به تحقیق صفوان عدنان داوودی (بیروت: دارالشامیه، ۱۴۲۲ هـ ق) ج ۱، ص ۶۷۱

با این حال، تشخیص این که کدام یک از این معانی اصل است، تعابیر مختلفی را به خود اختصاص داده است. برای مثال، ابن فارس در مقایسه اللغه خود که ریشه لغات را بیان می‌کند، اظهار می‌دارد: «اصله تتبع الشيء» در حالی که ابن منظور، اصل را قطع و بریدن می‌داند.^{۱۳} من حیث المجموع، بدون جزم بر یک معنی، این امکان وجود دارد که قصاص را در ترجمان شرعی آن، بنا بر معنای اول با سه وجه و بنا بر معنای دوم با دو وجه، توجیه نماییم. بدیهی است که با تمسک به این مناسبت‌ها، می‌توان به مفهوم اصلی واژه قصاص پی برد. سه وجه تناسب معنای اول که دو وجه آن در کتاب جواهرالکلام ذکر شده است، عبارتند از: وجه اول - در قصاص، استیفاء اثر شرعی جنایت، مندرج است؛ مثل قطع ید در مقابل قطع ید. بنابراین قصاص دنبال اثر رفتن است. چنانچه مرحوم نجفی می‌فرماید: «مراد از قصاص، پیگیری و دنبال نمودن اثر جنایت است، به گونه ای که قصاص کننده عین عمل جانی را نسبت به او انجام دهد»^{۱۴} وجه دوم - قصاص، اتباع اثر جانی است؛ یعنی مجنی علیه، جانی را دنبال نموده تا به سزای عمل خویش برساند. اگرچه در جواهر، طوری بیان شده که موهوم این است که معنای دوم تفسیر معنای اول می‌باشد ولی مبرهن است که به لحاظ متعلق تناسب، که می‌تواند عمل جانی و خود شخص

باشد، معنای دوم، معنای جداگانه و مستقلی است.^{۱۵}

وجه سوم - این نحوه مجازات (قصاص) متابعت حقیقی اثر جنایت است؛ اگرچه جانی را می‌شود با اخطار دادن یا به زندان انداختن و مجازات های دیگر تعقیب کرد ولی هیچ یک دنبال گیری اثر جنایت وی به معنی حقیقی نیست. به عبارتی دیگر، زمانی می‌توان جنایت را به مانند عمل خود او پاسخ داد که در واقع جنایت وی را دنبال نماییم، چرا که در غیر این صورت اعمال هر نوع مجازات دیگری، به معنای هدر دادن جنایت جانی می‌باشد.

بنابر معنای دوم (قطع) نیز دو احتمال وجود دارد:

وجه اول - قطع جذور جنایت در جامعه، بنابراین قصاص را قصاص می‌گویند.^{۱۶}

وجه دوم - چون در زمان جاهلیت، قبل از تشریح حکم قصاص، اگر قتلی واقع می‌شد به دنبال آن سلسله قتل هایی به وقوع می‌پیوست، قصاص را به معنای «قطع سلسله الجنایات المتتابعه التي کانت متداوله فی زمان الجاهلیه» می‌دانند.^{۱۷}

با این تفاسیر متعدد، به نظر می‌رسد مناسب ترین وجه، انتساب واژه قصاص به معنی «قطع جذور جنایت در جامعه و پس از آن اتباع اثر جانی بر جنایت خود» باشد. چرا که اجرای عدالت در ضمن بازدارندگی و ارعاب خصوصی و عمومی از جمله مهمترین اهداف مجازات از نظر سیاست جنایی اسلام به شمار می‌آید.^{۱۸}

ب) تبیین معانی جنسیت

خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم، فرموده اند که بنی آدم از یک نوع و در قالب دو جنس خلق شده اند^{۱۹} تا مایه آرامش یکدیگر باشند و با زاد و ولد خویش، استدام نسل و امتداد حیات را رقم بزنند.^{۲۰} برای نمونه در نخستین آیه سوره مبارکه النساء می‌خوانیم «یا أَيُّهَا

13 - ابن منظور، ج ۱۱، ص ۱۹۱

14 - محمدحسین نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام (بیروت: موسسه التاریخ العربی، ۱۴۱۲ هـ ق) ج ۴، ص ۷

15 - «والمراد به هنا استیفاء اثرالجنایه من قتل او ضرب او جرح، فکان المقصص یتبع اثر الجنای، فیفعل مثل فعله» ر.ک: مجدالدین ابی

المعادن المبارک بن الاثیر الاجزری، النهایه (قم: موسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴) ج ۴، ص ۷۲، واژه قصص

16 - «لأنَّ به یقتص جذور الجنایات و العجرم فی المجتمع» ر.ک: همان، ج ۴، ص ۷۲، واژه قصص

17 - ر.ک: خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین (قم: انتشارات اسوه، ۱۴۱۴ هـ ق) ج ۵، صص ۹-۱۰

18 - محمدعلی احمدی ابهری، اسلام و دفاع اجتماعی (قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷) ص ۱۰۹

19 - الذاریات، آیه ۴۹

20 - اعراف، آیه ۱۸۹

النَّاسُ أَنْفُسًا رَّبِّكُمْ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا»

«ای مردم، درباره هم نوعان خود از پروردگارتان پروا کنید و حقوق یکدیگر را پاس بدارید، همان کسی که شما را از یک تن (آدم) آفرید و همسرش را از نوع او خلق کرد و از آن رو، مردان و زنان بسیاری پراکنده ساخت...»

بر همین اساس تمام احکام و رسالات دین مبین اسلام دایر مدار همین دو خلقت که شاهکار آفرینش و مایه مباهات ذات اقدس الله می‌باشند، تدوین گشته و انسان در دو جنسیت متفاوت، عهده دار این وظیفه خطیر الهی شده است.

در قدیم الایام، زمانی که بر طبق آموزه های کیفری انتقام جویانه بشری، کیفر به نوعی وسیله ای برای اعاده آبروی از دست رفته بزه دیده و همزمان برای تایید مجدد حیثیت و قدرت وی، با توهین به شخص و یا شیء توهین کننده یعنی مجرم چندان که او را خوار کند، به حساب می‌آمد. حیطة مسئولیت به دامنه اشیاء و حیوانات مختلف نیز کشیده شده و بارها ملاحظه می‌شد که شیء مورد بازخواست و یا حیوانی مورد عقاب قرار می‌گرفت.^{۲۱} ولی به تدریج، همگان دریافتند که پیرو مضامین رفیع مکتب اسلام، تنها انسان است که می‌تواند بواسطه وصف اراده خود، مورد بازخواست و شماتت قرار بگیرد. با این حال، فارغ از مسایل کیفری، شناخت مصادیق جنسیت بشری که در سایر دستورات الهی مورد عنایت قرار گرفته است، خالی از لطف نخواهد بود. با این توضیح که تردیدی نیست در مکاتب مختلف نسبت به جنسیت زن و مرد، نگرش های متفاوتی وجود داشته و از زوایای گوناگون، حقوق و تکالیفی متفاوت برای آنان در نظر گرفته شده باشد.^{۲۲}

۱- مرد

واژه مرد [م] (ا) به معنی انسان نرینه، درست در مقابل زن، که انواع مذکر بنی بشر را شامل می‌شود، استعمال می‌گردد و در اصطلاح عامیانه، با وجود الفاظ دیگری چون «پسریچه»، «پسرک» و «پسر»، به انسان نرینه به حد بلوغ رسیده که ازدواج کرده و زنی اختیار نموده است، مرد می‌گویند.^{۲۳}

۲- زن

واژه زن [ز] نقیض مرد می‌باشد. مطلق فردی که از افراد انثا، خواه منکوحه باشد یا غیر منکوحه؛ به عبارتی به مادینه انسان می‌گویند و معادل آن را می‌توان «مرأه» و «نساء» در زبان عربی و «بانو» و «خاتون» در زبان فارسی دانست.^{۲۴} در زبان یونانی نیز به آن، «ژینا»^{۲۵} می‌گویند.

ج) کفر و اسلام

در طول تاریخ، اعتقادات و باورهای دینی آن قدر فراوان بوده است که محققان رسیدن به یک تعریف عموماً پذیرفته شده از دین را بسیار دشوار یافته اند. این تکثر از آنجا نشأت می‌گیرد که واکنش مردم در برابر دعوت رسولان خدا، مختلف بوده است. گروهی از پیامبران الهی رو بر تافته و چه بسا دست به کشتار فرستادگان خدا می‌زدند و یا به آنان اتهامات ناروایی چون سحر، سفاهت، جنون، کذب و افسانه نسبت می‌دادند.

در مقابل عده ای دیگر، به سفیران الهی، روی آورده و پیام آنها را با جان و دل پذیرا می‌شدند. از همان صدرخلفت، شناخت و معرفت خداوند متعال و بالتبع آن، ایمان و تسلیم در برابر حقیقت، از غایات مهم آفرینش بشر به حساب می‌آمد، از این رو خداوند حکیم،

21 - ژان پرادل، تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱) ص ۱۸

22 - حسین مهرپور، حقوق زن، (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۹) ص ۳۰۳

23 - علی اکبر دهخدا، ج ۱۳، ص ۲۰۶۲۷

24 - علی اکبر دهخدا، ج ۹، صص ۱۲۹۳۵-۱۲۹۳۴

فرستادگان بسیاری برای هدایت و رهنمون آدمی بر می‌انگیخت. اما آنچه هست، آن است که توده بشریت در بسیاری از مسایل، اختلاف کرده و مشرب های متکثری اتخاذ نموده اند. بعضی اعتقاد به دین نداشته و بعضی معتقد به ادیان باطل ای چون سحر و بت پرستی و دوگانه پرستی شده اند، برخی دیگر به آیین هایی عشق ورزیده اند که نقش اشباح، ارواح، جادوگران و دیوان در آن هویدا می‌نمود،^{۲۶} و تجربیات اسرار آمیز در میان عامه پیروان آن معمول بود. برای مثال غیر عادی نبود که نوجوان دختری چون «ژاندارک» ادعا کند که صدای فرشتگان را شنیده است که به او گفته اند فرانسه را از دست انگلیسی های غارتگر نجات دهد، حال آنکه سه قرن بعد، نه تنها به ندرت ممکن بود کسی ادعا کند که حالات پوشیده و اسرار آمیز را تجربه کرده است، بلکه این گونه تجربیات نشانه اختلال روانی تلقی می‌گردید.^{۲۷}

با این حال از حدود هزار و چهار صد سال پیش که مراتب احقاق حق، برپاداری عدالت و رساندن انسان به مراتب عالی کمال در زمره اهداف دین مبین اسلام به منصف ظهور درآمده و بنا به قول الهی «هر کس جز تسلیم بودن در برابر آیین خدا (اسلام) آیین دیگری طلب کند، هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زینکاران است»^{۲۸} رویارویی کفر و یا همان گردن کشی در برابر دستورات حضرت حق و روحیه تسلیم گرایی، به آن درجه از اهمیت رسید که آیات فراوانی از کتاب الله را به خود اختصاص و احکام فراوانی را مشمول عنوان خود قرار داد.

با این حال علارغم تمام این اختلافات، جوامع اسلامی از آغاز تا کنون همواره پذیرای غیر مسلمان زیادی بوده و آنان در کنار مسلمانان، آزادانه زندگی می‌کردند. اکثریت مسلمانان نه تنها دین خود را به آنان تحمیل نمی‌کردند، بلکه به حق آنان نیز احترام می‌گذاشتند و مسلمانان و پیشوایان مذهبی آنان به رعایت حقوق هم نوعان و غیر مسلمانان تأکید می‌ورزیدند.^{۲۹}

در این میان شناخت واژگان کفر و اسلام و تطبیق این معانی بر مصادیق آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است که از همان عنفوان فقاقت مورد عنایت عالمان دینی ما قرار گرفته است، که ما نیز با تبعیت از همان رویه، با نگاهی اجمالی به معنای لغوی آن سعی در شناخت این عناوین خواهیم داشت.

۱- کفر

کفر [ک] [ع (مص)] در لغت به معنای ناسپاسی کردن، پوشاندن، ناگرویدن به خداوند متعال آمده است. به طور مطلق خلاف ایمان نزد هر طائفه ای را کفر می‌گویند که الحاد و بی دینی و بی ایمانی و بی اعتقادی نیز هم معنی آن آمده است.^{۳۰}

۲- اسلام

اسلام [ا] [ع (مص)] به معنای گردن نهادن، تسلیم شدن و پذیرفتن بی قید و شرط آمده است. اسلام را دین رسمی مسلمانان می‌خوانند و بر این اعتقادند، خاستگاه اسلام که امروزه دومین مذهب بزرگ در جهان است، از آموزه های رسول اکرم، حضرت محمد (ص) در قرن هفتم میلادی سرچشمه می‌گیرد.^{۳۱} این دین بالغ بر سه میلیارد^{۳۲} پیرو در سراسر جهان دارد که اکثریت آنها در شمال و شرق آفریقا،

26 - Piero camposi, Bread of Dreams, (Cambridge: polity press, 1998) p:32

27 - آنتونی گیدنز، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری (تهران: نشر نی، ۱۳۸۵) ص ۴۹۵

28 - «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» آل عمران، آیه ۸۵

29 - برای مثال مولی متقیان علی بن ابی طالب علیه السلام در فرمان حکومتی خود به مالک اشتر، استاندار مصر، در ضمن توصیه به رعایت حقوق افراد می‌فرماید: «فانهم صنفان، اما اخ لك في الدين و اما نظير لك في الخلق» مردم دو گروهند، یا برادر دینی تو هستند، و یا در خلقت شبیه و هم نوع تو می‌باشند. نهج البلاغه، نامه ۵۳

30 - علی اکبر دهخدا، ج ۱۲، ص ۱۸۴۱۸

31 - علی اکبر دهخدا، ج ۲، ص ۲۴۵۹

32 - روزنامه کیهان، شماره ۱۹۳۹۳ مورخ ۱۳۸۸/۴/۲، صفحه ۱۵.

خاورمیانه، پاکستان و آسیای جنوب شرقی متمرکز گردیده اند.^{۳۳} دین مبین اسلام، مبتنی بر شریعت^{۳۴} و یا همان مجموعه قواعد دینی که خداوند برای انسان های تشریح کرده اعم از این که قواعد مزبور در باره عقاید دینی، اخلاق و یا افعال مکلفین باشد، استوار است. این شریعت با لحاظ مزایایی چون:

۱- چارچوب دینی تعبدی در تمام زمینه ها، حتی درباره معاملات حقوقی.

۲- ضمانت اجراهای دنیوی و اخروی که همین امر سبب می شود قواعد آن به صورت کارآمدتری اجرا گردد.

۳- تحت شمول قرارداد مسائل و مضامین اخلاقی.

۴- مطابقت با عدالت، حق و صواب.

۵- بنا نهاده شده بر اساس تیسیر و تخفیف، تساهل و تسامح.

۶- محقق شدن درجهت رعایت غبطه و مصالح بشریت.

۷- دارا بودن خصوصیات ثبات و تغییر به صورت توأمان و...»^{۳۵}

مهم ترین آیین مذهبی است که از ابتدای خلقت بشریت توانسته است با الهام از منابع وحی، بدیع ترین و کامل ترین برنامه سعادت انسان ها را رقم بزند. پیروان این مکتب با رعایت وصف تسلیم آنان در مقابل این آموزه ها، مسلمان به معنی فرد تسلیم شده نامیده می شوند.^{۳۶}

د) عدل و مترادفات عقلی آن

عدالت مهم ترین صفت هر انسان مؤمن و بارزترین ویژگی حکومت دینی و مردمی است. انسان در پرتو عدالت، به کمال اخلاقی و بلوغ معنوی دست می یابد و متقابلاً نظام اجتماعی نیز بر پایه عدالت به والاترین اهداف رشد و توسعه نایل می گردد. از همان آستانه رسالت های آسمانی، پیامبران بزرگ الهی علاوه بر برخورداری از مقام و موقعیت شگفت انگیز روحانی و معنوی شان، جملگی منادی عدالت و برپا کننده قسط و داد بوده اند.

عدل از اصول اعتقادی شیعه به شمار می آید. از نگاه وی، هستی بر پایه عدل خلق شده، در چارچوب عدل، نظم و سامان یافته و در همان بستر به تکامل می رسد. بر این اساس، گستره عدل به حوزه مسایل کلامی محدود نمی شود، بلکه حیات فردی و اجتماعی را نیز در بر می گیرد، یعنی مناسبات فردی و جمعی انسان ها نیز باید مبتنی بر عدل باشد و عدالت، محور تنظیم همه رفتارهای شخصی و برنامه های اجتماعی قرار گیرد. فلذا در نظام اسلامی «عدالت اجتماعی» اصلی بنیادین و سیاستی تخلف ناپذیر است،^{۳۷} که بر تمام احکام تکلیفی و وضعی خود سایه گسترانیده است؛

بدیهی است که لزوم عقلی طرح چنین مباحثی به رفع شبهات موجود پیرامون ناسازگاری تفاوت بین زن و مرد در دیه و قصاص با عقل و عدالت بر می گردد. با این توضیح که امروزه بسیاری از اندیشمندان، با استمساک به آموزه های علمی نوین که غالباً ریشه در اندیشه

33 - آنتونی گیدنز، ص ۵۰۰

34 - شریعت در لغت به راه راست و طریق مستقیم اطلاق می شود. «ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيْعَةٍ مِّنَ الْأُمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» آیه ۱۸، سوره جاثیه.

35 - جلیل فتواتی، نظام حقوقی اسلام (قم: نشر دفتر تحقیقات و تدوین کتب درسی مراکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۷) ص ۴۸

36 - همان، ص ۴۹

37 - نحل، آیه ۹۰ «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» خداوند به شما فرمان می دهد تا برای پدید آمدن جامعه ای صالح، با مردم به عدل و داد رفتار کنید، به آنان نیکی کنید و حق خویشاوندان را به او بپردازید و شما را از کار زشت و ناپسند و از ظلم و سرکشی باز می دارد. خداوند به شما پند می دهد، باشد که دریابید. نیک بختی شما در بکارگیری این اندرزهاست.